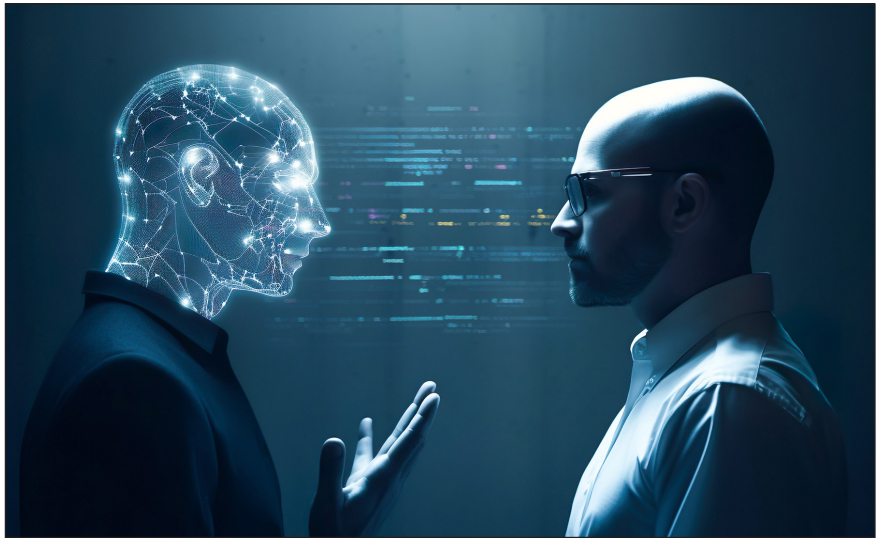


جهان در تسخیر هوش مصنوعی

اگر چه استفاده از هوش مصنوعی در کوتاه مدت می تواند در کاهش هزینه ها به نفع شرکت ها باشد، اما در بلندمدت شرکت ها را با ر کود مواجه خواهد کرد.



به ساخت تراشه ها و نرم افزارهای سفارشی اشاره کرد.

ذهنیت استارت آپی

داشتن ذهنیت یک شرکت استارت آپی، صرف نظر از سن و اندازه شرکت به اندازه هوش مصنوعی موفق، مهم است. استارت آپ ها در نگاه گسترده به بازارها و پاسخ سریع به آنچه مشتریان می خواهند، سرآمد هستند. شرکت های بزرگ، منابع لازم برای اجرای این فرصت ها را دارند، اما معمولاً به دلیل وجود موانع بسیار (و عدم جسارت) آن قدر کند حرکت می کنند که استارت آپ ها سریع تر وارد بازار می شوند. هوش مصنوعی باز (Open AI)، که گوگل را با ChatGPT) شکست داد، دو شانس بزرگ داشت؛ داشتن ذهنیت استارت آپی عاری از تردیدهایی که گوگل را دچار مشکل کرد و منابع فراوانی که توسط مایکروسافت و سایر سرمایه گذاران تأمین می شد.

استارت آپ ها به جای تولید محصولات عالی در مقیاس بزرگ - هر چند این یک هدف کاملاً ارزشمند است - می خواهند چیزی خارق العاده بسازند. بنابراین ترجیح می دهند به اطراف خود نگاه کنند و انعطاف پذیری را با دیگران به اشتراک بگذارند. آن ها از ساختارها و تعصبات موجود صرف نظر از اینکه چقدر قدیمی و قابل احترام هستند صرف نظر می کنند تا کاری که باید را انجام دهند. آمازون، غول تجارت الکترونیک، ذهنیت استارت آپی را در تلفیق با هوش مصنوعی نشان داد. همان طور که این فناوری بیش از یک دهه پیش توسعه یافت، این شرکت از هوش مصنوعی برای ایجاد یک «بلندگوی هوشمند» به عنوان یک رابط جدید برای وب استفاده کرد. آمازون هیچ مهارتی در زمینه هوش مصنوعی نداشت، اما آنچه نیاز داشت را از طریق استخدام، جذب و توسعه داخلی انتخاب کرد. نتیجه، بلندگوی اکو و دستیار دیجیتالی الکسا بود که کاری فراتر از کمک به مردم برای سفارش اقلام هنگام خرید انجام می داد. آمازون به سرمایه گذاری تهاجمی فراتر از الکسا روی هوش مصنوعی ادامه داد و «اندی جاسی» مدیر عامل این شرکت می گوید که این فناوری قول می دهد تجربیات مشتریان را تغییر داده و بهبود ببخشد.

آینده نزدیک

اگر چه شرکت ها نمی توانند این محرک ها را یک شبه بپذیرند، اما می توانند به سمت تعهد جدی برای ایجاد امکانات جدید حرکت کنند. کارمندان نیز مانند شرکت ها، می توانند با کسب مهارت ها و تجربه های مورد نیاز، به شدت روی هوش مصنوعی سرمایه گذاری کنند. در نتیجه نه تنها از حرفه خود محافظت می کنند، بلکه ارزش افزوده ای در سطح بالاتر به آن اضافه می کنند. بخش عمده ای از زندگی شرکت ها مربوط به تولید محصولات قابل اعتماد با هزینه کم بوده است. آنچه اکنون برای جلوگیری از بیکاری گسترده به آن نیاز داریم، این است که بسیاری از شرکت ها از این نظم خارج شوند و آینده هوش مصنوعی را سرعت بخشند. خطر بزرگ این است که اکثر شرکت ها با خیال راحت از هوش مصنوعی استفاده می کنند، سرمایه گذاری آسانی انجام می دهند و در کوتاه مدت خوب عمل می کنند.

در واقع وقتی بشریت از نوآوری می ترسد شکوفایی هرگز رخ نمی دهد. تصور کنید انسان های اولیه از آتش می ترسیدند. بله، آن ها گاهی می سوختند، اما بدون استفاده از قدرت آن، ممکن بود تاکنون منقرض شده باشیم. همین امر در مورد هوش مصنوعی نیز صدق می کند، اما به جای ترس از آن، باید از قدرت آن استفاده کنیم.

منبع: hbr.org

بزرگ بسیار سخت است. محققان این پروژه سپس بررسی کردند که چگونه مایکروسافت با تغییر سلسله مراتب خود و دنبال کردن شرکتهایی مانند (Open AI) به یک کمپانی پیشرو تبدیل شد. بیابید روی دو مورد از مهم ترین محرک ها در اینجا تمرکز کنیم؛ گرایش به ماجراجویی و طرز تفکر استارت آپی. به کارگیری این محرک ها می تواند یک شرکت را به سمت نوآوری چابک ببرد، زیرا این نیروها در سراسر سازمان تغییر می کنند.

داشتن جسارت

هر شرکتی که در آینده نزدیک روی هوش مصنوعی سرمایه گذاری کند، به احتمال زیاد از آن درآمد کسب خواهد کرد. با این حال، سرمایه گذاری صرف فقط سودهای افزایشی را به همراه دارد. اعداد و ارقام ممکن است به ویژه در کاهش هزینه ها خوب به نظر برسند، اما این شرکت ها با ایجاد ارزش های مالی قابل توجه با موقعیت قابل دفاع آینده، فرصت کسب دستاوردهای بزرگ را از دست خواهند داد. سرمایه گذاری محتاطانه در درازمدت مانع رقابت نمی شود و مطمئناً در مقابله با چالش کلان اقتصادی که با آن روبه رو هستیم کمکی نخواهد کرد. با هر فناوری جدیدی این مشکلات وجود دارد، اما می توان همچنان با احتیاط به مسیر ادامه داد و خوب عمل کرد. شرکت های بزرگ از ریسک متنفرند، به همین دلیل است که محصولات قابل اعتماد را با هزینه مقرون به صرفه تولید می کنند. همچنین بسیاری از آن ها با خرید استارت آپ ها، نوآوری خود را برون سپاری می کنند و حتی این رویکرد اغلب منجر به پیشرفت های کوچک و کم اهمیت می شود. در واقع همه سازمان های موفق، به ویژه سازمان های بزرگ ترجیح می دهند ریسک و ماجراجویی و جسارت را به حداقل برسانند. اما شما می توانید شجاعت را انتخاب کنید، و یا در مقابل می توانید راحتی را انتخاب کنید، اما نمی توانید در یک زمان هر دو را در اختیار داشته باشید.

جسارت به یک کلیشه شرکتی تبدیل شده و مدیران به شدت به آن اعتراض می کنند. در مورد هوش مصنوعی به شرکت هایی نیاز داریم که به جای اینکه از ریسک شانه خالی کنند یا آن را به حداقل برسانند و با واقعاً با آن آشنا باشند. مثلاً (Adobe) را در نظر بگیرید که برنامه فتوشاپ آن مدت هاست بیشترین سهم از بازار طراحی عکاسی را در اختیار دارد. ادوپی می تواند با ظهور هوش مصنوعی عمومی، آن را در حوزه های کوچک تر پیاده سازی کند و منتظر بماند تا ببیند این فناوری چگونه کار می کند. این همان کاری است که کداک با عکاسی دیجیتال و موتورولا با تلفن دیجیتال انجام داد. در عوض (Adobe) هوش مصنوعی مولد را عمیقاً وارد فتوشاپ کرده، تا جایی که اکنون کاربران عادی می توانند انواع ویدئوهایی را که قبلاً نمی توانستند، به سادگی ایجاد کنند. (Adobe) می توانست هوش مصنوعی را به عنوان یک تهدید ببیند و به اصلاح و ارتقای فتوشاپ بدون هوش مصنوعی ادامه دهد، اما مدیران آن شجاعت سرمایه گذاری جدی روی هوش مصنوعی را داشتند تا پتانسیل کاربران را افزایش دهند.

انوپیدا، سازنده تراشه نیز در زمینه این فناوری، به دلیل ارائه بهترین تراشه های نیمه رسانا برای هوش مصنوعی، خبرساز شده است. از نظر خیلی ها این شرکت ممکن است خوش شانس به نظر برسد که فناوری مناسب را در زمان مناسب دارد اما موفقیت فعلی انوپیدا تصادفی نیست. در طول یک دهه گذشته، این شرکت به شدت در زمینه هوش مصنوعی تخصص پیدا کرده که از آن جمله می توان

ترس از جایگزینی هوش مصنوعی با نیروی کار انسانی در شرکت های مختلف دنیا به واقعیت تبدیل شده و تعدادی از رؤسای شرکت ها از جایگزینی هوش مصنوعی به جای نیروی کار انسانی ابراز خرسندی کرده اند.



پس از بحث و گفت وگوهای فراوان بر سر جابه جایی ها و حذف شغلی ناشی از ورود هوش مصنوعی به بازار کار، ظاهراً موضوع در حال حل و فصل شدن است. در طول تاریخ، ما هرگز بیکاری ناشی از ورود فناوری های جدید را در سطح کلان تجربه نکرده ایم، بنابراین بعید است که هوش مصنوعی در درازمدت باعث بیکاری افراد شود به ویژه که اکثر کشورهای پیشرفته اکنون شاهد کاهش سن جمعیت مشغول به کار خود هستند. با این حال، از آنجایی که شرکت ها با سرعت بالایی در حال استفاده از (ChatGPT) و هوش مصنوعی مولد هستند، ممکن است در کوتاه مدت شاهد جایگزینی و حذف شغلی قابل توجهی باشند.

یک اختراع جدید دیگر

هوش مصنوعی را می توان با ظهور برق در اواخر قرن بیستم مقایسه کرد؛ چندین دهه طول کشید تا کارخانه ها میله های به حرکت درآمده با نیروی بخار را با موتورهای الکتریکی جایگزین کنند. آن ها مجبور بودند برای استفاده از فناوری جدید برق، طرح های خود را دوباره سازماندهی کنند. این روند به قدری آهسته شکل گرفت که مشکلات اقتصادی بزرگی در پی نداشت. در ابتدا تنها کارخانه های جدید از این موتورها استفاده می کردند. برق، مشاغل جدید ایجاد کرد و کارگران اخراج شده از کارخانه های بخار به کارخانه های جدید رفتند تا شغل جدید و درآمد بالاتر داشته باشند. در نتیجه پول بیشتر منجر به انتظارات بالاتر و همچنین ایجاد صنایع کاملاً جدید برای حضور کارگران شد.

با گسترش رشته های مرتبط با علوم کامپیوتری در اواسط قرن بیستم نیز اتفاق مشابهی رخ داد؛ سرعت همه گیری این یکی بیشتر از برق بود، اما در عین حال به قدر کافی کند بود که از بیکاری گسترده جلوگیری کند. هوش مصنوعی اما متفاوت است. زیرا شرکت ها آن قدر سریع آن را در عملیات های خود ادغام می کنند که احتمالاً پیش از سوددهی، ممکن است فعالیت و تجارت شان متوقف شده و ورشکسته شوند. کارمندان یقه سفید (یا میان رده ها) ممکن است در کوتاه مدت آسیب پذیر باشند و با ورود هوش مصنوعی شغل خود را از دست بدهند. کارشناسان از همه گیری این پدیده با عنوان «تب هوش مصنوعی» استفاده می کنند. اصطلاحی که یادآور تب طلا در دو قرن پیش است.

حذف یک چهارم وظایف کاری

شرکت خدمات مالی و بانکداری گلدمن ساکس اخیراً پیش بینی کرد که شرکت ها از «هوش مصنوعی» برای حذف یک چهارم تمام وظایف کاری فعلی در ایالات متحده و اروپا استفاده خواهند کرد. این احتمالاً به معنای بیکاری ده ها میلیون نفر است؛ به ویژه افرادی که فکر می کردند دانش تخصصی شان به آن ها امنیت شغلی خواهد داد. دو احتمال برای کاهش خطر وجود دارد؛ اولین مورد این است که دولت ها یا برای کاهش سرعت پذیرش تجاری هوش مصنوعی (بسیار بعید است)، یا ارائه برنامه های رفاهی ویژه برای حمایت و آموزش مجدد افراد تازه بیکار شده وارد عمل شوند. یک احتمال دیگر نیز وجود دارد که اغلب نادیده گرفته می شود، اما می تواند به کاهش خطر به کارگیری هوش مصنوعی در مشاغل کمک کند. در



پس از پیشرفت های شگفت انگیز در هوش مصنوعی، بسیاری از مردم نگران این هستند که در نهایت این پیشرفت ها به ضایعات اقتصادی ختم شوند. جست وجوی جهانی در گوگل برای «آیا شغل من امن است؟» در ماه های اخیر دو برابر شده، چراکه مردم می ترسند مدل های زبان بزرگ (llms) هوش مصنوعی جایگزین آن ها شود. برخی شواهد نشان می دهد مشکلات گسترده ای در راه است. بر اساس مقاله ای که اخیراً در (Openai) منتشر شده «حداقل ۱۰ درصد از وظایف کاری حدود ۸۰ درصد نیروی کار ایالات متحده تحت تأثیر هوش مصنوعی قرار دارد.» مقاله دیگری نیز می گوید که خدمات حقوقی، حسابداری و آژانس های مسافرتی با تحولات بی سابقه ای مواجه خواهند شد.

با این حال، اقتصاددانان تمایل دارند از پیش بینی های مربوط به خود کارسازی بیشتر از امتحان حقیقی آن استفاده کنند. در اوایل دهه ۲۰۱۰، بسیاری از آن ها با صدای بلند پیش بینی می کردند که روبات ها میلیون ها شغل را از بین خواهند برد، اما زمانی که نرخ اشتغال در سراسر جهان ثروتمند به بالاترین حد خود رسید، ساکت شدند. تعداد کمی از معتمدان فاجعه ربات ها توضیح خوبی برای این موضوع دارند که چرا کشورهای با بالاترین نرخ استفاده از فناوری در سراسر جهان مانند ژاپن، سنگاپور و کره جنوبی به طور مداوم در بین پایین ترین کشورها با نرخ بیکاری قرار دارند.

باردایی تأثیر هوش مصنوعی بر مشاغل می توان به این موضوع پی برد. با استفاده از داده های شغلی آمریکادر مورد اشتغال بر اساس حرفه، می توان کارگران یقه سفید را مشخص کرد. این ها شامل افرادی هستند که در همه جا از پشتیبانی و عملیات مالی گرفته تا دفاتر کار می کنند. تصور می شود که نقش های یقه سفید به ویژه در برابر هوش مصنوعی آسیب پذیرتر هستند، چراکه هوش مصنوعی در حال بهتر شدن در استدلال منطقی و خلاقیت است.

با این حال، هنوز شواهد کمی از ضربه هوش مصنوعی به اشتغال وجود دارد. در بهار سال ۲۰۲۰ مشاغل یقه سفید به عنوان سهمی از کل کار افزایش یافته، زیرا بسیاری از افراد در مشاغل خدماتی در هنگام همه گیری کرونا شغل خود را از دست دادند و دوباره به بازار برگشتند. سهم یقه سفیدها امروز کمتر شده، البته این سهم در بخش اوقات فراغت و هتلداری بهبود یافته است. به طور کلی در سال گذشته، سهم اشتغال در مشاغلی که ظاهراً در معرض خطر ناشی از هوش مصنوعی هستند، نیم درصد افزایش یافته است.

هوش مصنوعی هنوز در ابتدای راه است. تعداد کمی از شرکت ها از ابزارهای هوش مصنوعی در مقیاس بزرگ استفاده می کنند، بنابراین تأثیر آن بر مشاغل می تواند به تأخیر بیفتد. احتمال دیگر این است که این فناوری های جدید تنها تعداد کمی از نقش ها را از بین ببرند. در حالی که هوش مصنوعی ممکن است در برخی وظایف کارآمد باشد، ممکن است در برخی دیگر مانند مدیریت و بررسی آنچه دیگران به آن نیاز دارند، کمتر به درد بخورد.

حتی هوش مصنوعی می تواند تأثیر مثبتی بر مشاغل داشته باشد. اگر کارگرانی که از آن استفاده می کنند کارآمدتر شوند، سود شرکت آن ها می تواند افزایش یابد و سپس به کارفرمایان اجازه می دهد تا استخدام را افزایش دهند. یک نظرسنجی اخیر توسط (Experis) یک شرکت استخدام، به این احتمال اشاره می کند. بر این اساس بیش از نیمی از کارفرمایان انگلیسی انتظار دارند که فناوری های هوش مصنوعی در دو سال آینده تأثیر مثبتی بر تعداد کارمندان آن ها داشته باشد. با این حال و در لحظه حاضر بعید است که یک آرخالزمان شغلی با هوش مصنوعی رخ دهد.